

گول خوردن زن سالخورده از مرد شیاد با کارت ۲ میلیونی!

مرد شیاد که به بهانه پرداخت «بن کارت» دو میلیونی زنان سالخورده را فریب داده و طلاهایشان را سرقت می‌کرد، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. اواخر خرداد و در واپسین روزهای ماه رمضان زن میانسالی با مراجعه به کلانتری ۱۰۴ عباس آباد تهران از مرد کلاهبرداری به اتهام فریب و سرقت طلاهایش شکایت کرد. وی گفت: «از بیمارستان برمی‌گشتم، ساعت‌ها معطلی در بیمارستان خسته‌شام کرده بود. حوالی میدان سپاه مرد ۶۰ ساله‌ای جلویم را گرفت. او در حالی که مشغول صحبت با تلفن همراهش بود رویه من کرد و سن و سالم را پرسید. تعجب کرده بودم اما او گفت مؤسسه‌ای خیریه با ارائه کارت ملی به زنان بالای ۷۰ سال بن ماه رمضان می‌دهد و چون من هم این شرایط را دارم می‌تواند مرا به آنجا ببرد تا بن را بگیرم. از این طریق سر صحبت را باز کرد. او ظاهری می‌کرد مادرش پشت تاس‌هاست و می‌خواهد مرا نزد او ببرد.»

این زن ادامه داد: «چند قدمی که جلو رفتم تلفنش را قطع کرد و گفت این فرصت خوبی است که بن را دریافت کنی. من هم با خودم فکر کردم کارت ملی که همراهم است و اگر هم حرف‌هایش درست نباشد چیزی از دست نمی‌دهم. آن مرد ظاهر موجوبی داشت و وقتی پشت تلفن با مادرش حرف می‌زد سعی می‌کرد این حس احترام را به من هم منتقل کند. کمی که جلو رفتم او اشاره به انگشتر و النگوهایم کرد و گفت: «خانم! آنجا اگر ببینند طلا و جواهر همراهتان است به شما بن نمی‌دهند بهتر است همین جا همه را در کیفتان بگذارید. من هم با هر سستی بود همه طلاهایم را در آوردم و داخل دستمالی در کیفم گذاشتم.»

او درباره نحوه سرقت کیف همراهش نیز گفت: «همانطور که با هم راه می‌رفتم او که کیسه‌های دستش بود از من خواست برای اینکه راحت‌تر راه بروم و سریع‌تر بر سریم کیفم را داخل کیسه‌اش بگذارم. در بین راه کیسه را گرفتم اما چون سنگین بود دوباره دست او دادم. او مدام می‌گفت چند متری بیشتر نمانده و مرا دنبال خودش می‌کشاند. من هم بیمار قلبی هستم و نمی‌توانم تند راه بروم. نزدیک میدان که رسیدیم آن مرد ناگهان قدم‌هایش را تند کرد و تا خواست اعتراضی بکنم در بین جمعیت ناپدید شد. شوکه بودم و نفسم بالا نمی‌آمد. همانجا ننشستم. دو سرباز راهنمایی و رانندگی که وضعیتم را دیدند مرا داخل کیوسک پلیس بردند و همانجا پلیس گشت موضوع سرقت را صورتجلسه کرد.»

پس از تشکیل این پرونده در کلانتری ۱۰۴، موضوع در دادسرای حکیمیه مورد بررسی قرار گرفت. براساس اظهارات این زن، طلاهای دزدیده شده (گردنبند، گوشواره، النگو، حلقه ازدواج و دستبند) قدیمی و گرانتیتم بوده همچنین مبلغ ۱۵۰ هزار تومان پول نقد نیز به همراه داروهای او داخل کیف قرار داشته که همه به سرقت رفته‌اند.

مأموران پلیس آگاهی با شروع تحقیقات از طریق دوربین‌های محل عکس این متهم را پیدا کردند و تحقیقات برای شناسایی هویت وی و دستگیری‌اش ادامه دارد.

شاکای در این باره «گفت:» نمی‌دانم این مرد شیاد با این روش تا به حال چند پیرزن و پیرمرد را سر کیسه کرده اما امیدوارم هر چه زودتر دستگیر شود تا افراد بیشتری قربانی نشوند.»

او با زیبایی فریب می‌داد:

«افروز» همزمان سیغه ۴ مرد پولدار بود

آن زن همچون مار خوش خط و خالی بود که بعد از به دام انداختن طعمه هایش و اخاذی از آن‌ها، به سراغ مرد دیگری می‌رفت. من هم با عقد موقت او در گرداب کلاهبرداری هایش گرفتار شدم



مرد میان سالی که مدعی بود «ازدواج موقت پنهانی» زندگی اش را در آستانه نابودی قرار داده، وقتی فهمید که او چهارمین شاکای پرونده است، سرش را میان دو دستش گرفت و درحالی‌که این ماجرا را سزای اعمال خودش می‌دانست، به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت: «۳۰ سال قبل و در یک ازدواج سنتی دختر عمه ام را به عقد خودم در آوردم. آن زمان وضعیت مالی مناسبی نداشتم اما همسر مهربانم همانند کوهی تکیه گاهم شد تا سرمایه ای برای کسب و کار فراهم کنم این گونه بود که کارگاهی را راه اندازی کردم و زندگی توام با آرامش را ادامه دادیم.»

من با کار و تلاش و حمایت های همسرم توانستم کارگاهم را توسعه بدهم و پیشرفت زیادی داشته باشم. بعد از دو سال خدا دختر زیبایی به ما هدیه داد که شیرینی زندگی مان را دو چندان کرد.

دخترم بسیار زنگ و درس خوان بود و توانست با قبولی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه، پله های ترقی را یکی پس از دیگری طی کند.

درحالی که پسرم نیز دوره خدمت سربازی اش را می گذراند من هم تصمیم گرفتم در کارگاهم نیروهای جدیدی استخدام کنم و این آغاز ماجرای سیغه روزی ام بود چرا که تحت تاثیر ظاهر آراسته و زیبایی خانم ۳۳ ساله ای قرار گرفتم که در کارگاه به عنوان منشی مشغول به کار شد. او هم از مهارت کار و هم از زیبایی و خوش بیانی قابل توجهی برخوردار بود. «افروز» در

مدت کوتاهی توانست اعتماد مرا به خودش جلب کند.

به طوری که با چرب زبانی مرا خام حرف های پوچ و بی اساسش کرد و با ابراز عشق و علاقه از من خواست که او را به عقد موقت پنهانی خودم دربیورم. این گونه بود که به صورت مخفیانه و بدون ثبت رسمی و محضری افروز را به خانه ای بردم و تمام وسایل مورد نیازش را نیز فراهم کردم از همان ابتدا خانواده افروز برای من کیسه دوخته بودند روزی برادر افروز برای گرفتن وام مرا به بانک برد تا ضمانتش را بکنم از سویی خواهر و پدر افروز نیز به بهانه هایی مالیاتی از من به عنوان قرض گرفتند.

با تمام این سرکیسه کردن ها باز هم به او و خانواده اش مشکوک نشدم تا این که ۳ ماه از ازدواج ما سپری شده بود که روزی به منزل مشترکمان رفتم و حیرت زده خانه را خالی از لوازم زندگی دیدم افروز به طور پنهانی تمام وسایل منزل را با خود برده بود و پاسخ تماس هایم را نمی داد این بود که با پدرش تماس گرفتم او هم از همسرم هیچ اطلاعی نداشت. بعد از آن افروز با من تماس گرفت و با تهدید تقاضای پول کرد و گفت اگر پول درخواستی اش را نپردازم ماجرای ازدواجمان را به همه خانواده ام لو می دهد. او مدام با گوشی من و همسرم و حتی فرزندانم تماس می گرفت و من از ترس افشای این موضوع بر خود می لرزیدم تا این که بالاخره همسرم به ماجرا پی برد و ... آن جا بود که با تحقیق از یکی از دوستان همسر سیغه ای ام متوجه شدم «افروز» به همراه مردی از منزل فرار کرده

پسر کرمانشاهی مادرش را به گلوله بست!

پسری که با شلیک اسلحه مادرش را در شهرک رسالت کرمانشاه مجروح کرده بود ، دستگیر شد .

فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه اظهار داشت: به دنبال اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر یک فقره تیراندازی منجر به مصدومیت بلافاصله ماموران کلانتری جهت بررسی موضوع به محل اعزام شدند. وی افزود: پس از حضور ماموران در محل، خانمی حدودا ۵۰ ساله به آن‌ها مراجعه و عنوان کرد که ۳ فرد ناشناس با مراجعه به درب منزل، وی را از ناحیه هر دو پا مصدوم و قیل از حضور پلیس از محل متواری شدند.

سرهنگ براری ادامه داد: با توجه به حساسیت موضوع، پلیس تحقیقات دامنه داری را آغاز و در نهایت مشخص شد که ۲ نفر از عوامل تیراندازی همسر و فرزند شخص مصدوم بوده اند.

فرمانده انتظامی کرمانشاه خاطرنشان کرد: ماموران در نهایت با استفاده از شگردهای پلیسی و انجام کارهای اطلاعاتی محل اختفای یکی از متهمان که فرزند فرد شاکای بود را شناسایی و نسبت به دستگیری وی اقدام کردند.

وی یادآور شد: متهم دستگیر شده در بازجویی های انجام شده علت اصلی تیراندازی را اختلافات خانوادگی عنوان کرد. سرهنگ براری با تأکید بر اینکه تلاش برای دستگیری سایر عوامل تیراندازی ادامه دارد از معرفی متهم دستگیر شده به دستگاه قضائی خبر داد.

دختر ۱۷ ساله باور نمی کرد مادرش را در کنار مرد غریبه گرفته اند!

ماجرای گذشت و من در اوج شور و هیجانات دوران نوجوانی مجبور بودم ساعات روز را به تنهایی سپری کنم در این سن خاص افکار و خیالات زیادی را در سر می پروراندم و آرزوهای قشنگی را برای خودم تصور می کردم اما روزی که باز هم در همین رویاهای شیرین غرق شده بودم صدای زنگ تلفن قلبم را تکان داد. خودم را به کلانتری رساندم فهمیدم مادرم به جرم رابطه پنهانی با مرد غریبه دستگیر شده است.



فریاد کشید تو چقدر پدر بی مسئولیتی هستی؟ دیشب پسترت تا صبح در آتش تب سوخت در حالی که تو بر سر منقل نشسته ای و مرا بدون پول و خرج خانه رها کرده ای؟ او سپس لگدی به بساط دود و دم پدزم زد و خانه را ترک کرد دیگر همه چیز لو رفته بود مادرم که تحمل هوو را نداشت به صورت توافقی از پدزم طلاق گرفت تا روزگاری را در آسایش و آرامش سپری کند. در این میان پدزم حضانت مرا به مادرم واگذار کرد چرا که اعتقاد داشت دختر را باید مادرش تربیت کند. من و مادرم در یک خانه اجاره ای زندگی جدیدی را شروع کردیم. مادرم مجبور بود برای تامین هزینه های زندگی در خانه های مردم کارگری کند. آن روزها احساس می کردم کارگری و زحمت کشی در خانه های مردم آسان تر از تحمل هوو در زندگی مادرم است. ۳ سال از این

دختر ۱۷ ساله باور نمی کرد که مادرش به جرم رابطه پنهانی با مرد غریبه دستگیر شده باشد.

او لب به سخن گشود و گفت: پدزم معتاد بود و همین موضوع ریشه تمام اختلافات بین او و مادرم بود. مشاجرعه و نزاع های آن‌ها پایانی نداشت و من از همان دوران کودکی شاهد دعاوها و کتک کاری های آن‌ها بودم مادرم مدام غر می زد و نمی توانست با این وضعیت کنار بیاید اما زندگی ما روزی رنگ سیاهی به خود گرفت که صدای مداوم و متند زنگ منزل همه را نگران کرد آن روزها من ۱۴ سال بیشتر نداشتم همه نگاه ها به طرف من جلب شده بود هراسان از جا پریدم و در آئینن حیاط منزل را گشودم ناگهان زنی با حجاب نامناسب و صورتی بزک کرده مرا هل داد و با عصبانیت وارد منزل شد او بدون اجازه داخل اتاق رفت و بر سر پدزم

زن ساکن ایتالیا تاجر تهرانی قاتل را بخشد

مردی که با انگیزه سرقت پول و طلاهای تاجر ایرانی مقیم ایتالیا، با وجود ۱۵ سال بعد از جنایت از سوی چهار دختر مقتول بخشیده شد.

به‌دهم تیر سال ۸۲، ۵۷ ساله ای که ساکن ایتالیا بود با حضور پلیس آگاهی تهران با طرح شکایتی اعلام کرد، شوهر ۶۶ ساله اش که تاجر است از دو ماه و نیم پیش به ایران آمده و ناپدید شده است. پلیس در جست‌وجوی مرد گمشده بود تا این که بیست و هشتم آبان سال ۸۶ و با گذشت چهار سال از این ماجرا، مرد معنای به پلیس آگاهی تهران آمد و راز جنایتی را فاش کرد و گفت: زمانی که در خانه ای مواد مصرف می‌کرده، دستش مدعی شده ایدم که خواهرش با همدستی فرد دیگری مردی را کشته و در بیابان دفن کرده‌اند. در جریان تحقیقات معلوم شد که مقتول همان تاجر ایرانی بوده و متهمان مستاجر وی بودند. متهمان تحت تعقیب قرار گرفتند و بازداشت شدند. متهمان جنایت را انکار کردند، اما در ادامه تحقیقات رضا، مرد مستاجر به جنایت اعتراف کرد و به افسر تحقیق گفت: دو ماه کرایه مقتول را نپرداخته بودم. روز حادثه من، همسرم و دوستم به خانه مقتول رفتم. می‌خواستیم بابت کرایه به او چک جعلی بدهیم که ماجرا لو رفت. با او درگیر شدیم . آنها دست و پایش را گرفتند و من با انداختن پارچه به دور گردنش و قراردادن دستمال در دهانش او را خفه کردم. جسد او یک روز در کمد ماند و بعد آن را با خودروی پیکانم به بیابان های اطراف اختر آباد کرج بردیم و دفن کردیم. طلاهای مقتول را زرم فروخت. ۳۰۰ هزار تومان سهم ما و صد هزار تومان سهم همدستم شد . دو همدست وی نیز گفته های او را تایید کردند. ماموران به محل دفن جسد رفتند و استخوان های به جا مانده از مقتول را کشف کردند که با آزمایش دی ان ای هویت جسد تایید شد. خانواده مقتول درخواست قصاص کردند و به ایتالیا بازگشتند، اما گواهی انحصار وراثت تحویل دادسرا نشد. متهمان در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و متهم ردیف اول به قصاص، سه سال حبس و همسرش به ۱۳ سال حبس و مردی که همدستشان بود به ۱۸ سال حبس محکوم شد که این رای در شعبه ۶ دیوان عالی کشور تایید شد. در این سال ها چهار دختر مقتول به خاطر سکونت در ایتالیا پیگیر پرونده نبودند و مرد اعدامی پلاکلیف مانده بود و مادر مقتول هم فوت شده و وراث دیگری جز دخترانش نبودند. چندی پیش فرزندان همسر اول و همسر دوم مرد اعدامی نامه ای خطاب به اولیای دم نوشتند که پدرشان را ببخشند و به آنها رحم کنند و آن را به اجرای احکام تحویل دادند. خواسته سه فرزند مرد اعدامی از طریق سفارت ایران در ایتالیا در اختیار اولیای دم قرار گرفت. محمد شهریار، سرپرست دادسرای جنایی تهران در این باره گفت: پس از مکاتبه با سفارت ایران در ایتالیا چهار دختر مقتول پاسخ دادند که هر چند قاتل گناه بزرگی مرتکب شده، اما نمی‌خواهند خانواده‌ای داغدار شود و برای رضای خدا، قاتل را می‌بخشند. بنابراین مرد اعدامی بعد از ۱۱ سال نجات یافت و قرار است از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود.

رئیس شوراهای حل اختلاف استان هرمزگان در ادامه گفت: با ورود شورایی حل اختلاف به این پرونده و پس از تشکیل جلسات متعدد با حضور اعضای خانواده مقتول و قاتل و همچنین در نتیجه پیگیری‌های مستمر سرپرست دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان رودان و معتمدین محلی، خوشبختانه این تلاش‌ها مثمر‌تر واقع شد و سهپیم نماید.

شد: در سال ۱۳۸۲ پرونده‌ای با موضوع ارتکاب قتل عمد توسط متهم (ر.ش) در یکی از شعب کیفری استان هرمزگان مطرح و در نتیجه رسیدگی منجر به صدور حکم قصاص شد که پس از قطعیت مجازات، اعضای شورای حل اختلاف زندان شهرستان رودان، به منظور ایجاد صلح و سازش، تلاش‌های بی‌وقفه خود را آغاز کردند.

مظفر حمزه ئی معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان هرمزگان گفت : در نتیجه پیگیری‌های اعضای شورای حل اختلاف زندان شهرستان رودان محکومی که به اتهام قتل عمد به مجازات قصاص نفس محکوم شده بود پس از تحمل ۱۵ سال حبس از زندان رهایی یافت. وی در خصوص جزئیات این پرونده یادآور

مظفر حمزه ئی معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان هرمزگان گفت : در نتیجه پیگیری‌های اعضای شورای حل اختلاف زندان شهرستان رودان محکومی که به اتهام قتل عمد به مجازات قصاص نفس محکوم شده بود پس از تحمل ۱۵ سال حبس از زندان رهایی یافت. وی در خصوص جزئیات این پرونده یادآور

نجات یک محکوم

به مرگ پس از

۱۵ سال زندان

پیشنهاد دوستی تلگرامی، پسر را تا پای مرگ برد

پسر جوان وقتی به یک دختر در تلگرام پیشنهاد دوستی می‌داد نمی‌دانست این پیشنهاد او را تا یک قدمی مرگ می‌کشاند.

چند روز قبل راننده میانسالی در حال عبور از بیابان‌های اطراف تهران بود که با صحنه عجیبی مواجه شد. او پسر جوانی را دید که خونین روی زمین افتاده بود. راننده میانسال او را به بیمارستان منتقل کرد.

سه روز پس از انتقال پسر جوان به بیمارستان او به هوش آمد. فرزند گفت: مدتی قبل در یک گروه تلگرامی عکس پروفایل دختر جوانی را دیدم. از دختر خوشم آمد و تصمیم گرفتم با او دوست شوم. چند باری در تلگرام به او پیام دادم. در نهایت هم از او خواستم تا همدیگر را ببینیم. قبول کرد، اما زمانی که به محل قرار رفتیم به جای دختر جوان که سیما نام داشت، دو پسر به محل قرار آمدند.

او ادامه داد: دو پسر جوان مرا با زور سوار خودروشان کرده و به خارج از تهران بردند. آنها مرا بشدت کتک زده و در نهایت با چاقو مرا زخمی و خونین رها کردند.

با اظهارات پسر جوان، مأموران پلیس وارد عمل شده و عاملان این ماجرا بازداشت شدند. یکی از متهمان در تحقیقات گفت: سیما دوستم بود به من گفت که پسری به او ابراز علاقه کرده و درخواست دوستی داده است. زمانی که از مزاحمت‌های پسر جوان باخبر شدم از سیما خواستم تا با او قرار ملاقات بگذارد. اما به جای سیما، من و دوستم به محل قرار رفتیم و او را به زور سوار ماشین کرده و به خارج از شهر رفتیم. می‌خواستیم او را ادب کنیم تا دیگر دست به چنین کارهایی نزند اما در این

میان با چاقو به او هم ضربه زدیم. تصور کردیم که او مرده است. برای همین به تهران برگشتیم و تصمیم گرفتیم تا وسایلمان را جمع کنیم و پس از تهیه مقداری پول از ایران فرار کنیم اما قبل از اینکه ما نقشه‌مان را عملی کنیم بازداشت شدیم.

شاکای و متهم علیه هم شهادت دادند

پسر جوانی که به اتهام آزار و اذیت یک زن بازداشت شده بود به بازپرس گفت این زن و برادرش برای اخاذی از من چنین شکایتی را مطرح کرده‌اند.

چندی پیش زن ۵۵ ساله‌ای به اداره پلیس رفت و از راننده یک پراید به اتهام تعرض شکایت کرد. او گفت: من فروشنده پوشاک هستم. مدتی قبل سوار یک خودروی پرایدی شدم. راننده سر صحبت را باز کرد و با هم آشنا شدیم اما وی به بهانه‌ای مرا به منطقه قلعه حسن خان برد و مورد آزار و اذیت قرارداد من هم برای انتقام گوشی تلفن همراهش را دزدیدم.

با شکایت زن میانسال تحقیقات به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران آغاز شد. در بررسی‌های صورت گرفته راننده پراید بازداشت شد. مرد جوان در حالی که متکر آزار و اذیت بود، گفت: این زن دروغ می‌گوید.

چند روز قبل به‌عنوان مسافر او را سوار ماشینم کردم. در بین راه گوشی تلفن همراهم را سرقت کرد. و بعد از آن ددرسرای من شروع شد. او گوشی تلفن همراه مرا به مرد جوانی که ظاهراً برادرش است داد. او هم مدام برایم پیام‌های تهدیدآمیز می‌فرستاد که اگر به او پول ندهم عکس‌های خانوادگی که در تلفن همراهم است را منتشر خواهد کرد.

او ادامه داد: این مرد شماره تلفن خواهرم را از گوشی تلفتم برداشته بود و مدام برای او ایجاد مزاحمت می‌کرد. به همین دلیل از او شکایت و سرقت گوشی تلفن همراهم را نیز اعلام کردم. اما این زن وقتی از ماجرا با خبر شد، چنین ادعایی را مطرح کرده تا از اتهامش تبرئه شود. با اظهارات پسر جوان، بازپرس رضوانی دستور تحقیقات را در رابطه با بررسی اظهارات پسر جوان صادر کرد.